



کاوه منزوی (۱۳۳۰ - ۱۳۵۶خ)

دکتر علی نقی منزوی

و

دکتر محمد عاصمی

سر دبیر ماهنامه کاوه

مجله ماهنامه کاوه، شماره ۶۷، سال پانزدهم، شماره دوم، تیرماه ۲۵۳۶، رجب ۱۳۹۷،

ژوئن ۱۹۷۷، برگه ۱۵

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

-
- ۱.....مهندس کاوه منزوی (۱۳۳۰-۱۳۵۶خ)
 - ۱.....سروده کاوه
 - ۱.....فراخوان برای باهم بودن در جشن زناشویی

دکتر علی نقی منزوی



مهندس کاوه منزوی (۱۳۳۰ - ۱۳۵۶خ)

دکتر علی نقی منزوی و دکتر محمد عاصمی سردبیر ماهنامهٔ کاوه

مجلهٔ ماهنامهٔ کاوه، شمارهٔ ۶۷، سال پانزدهم، شمارهٔ دوم، تیرماه ۲۵۳۶، رجب ۱۳۹۷، ژوئن ۱۹۷۷، برگهٔ ۱۵

سرودهٔ کاوه

فراخوان برای باهم بودن در جشن زناشویی

به نام نامی خوبی

برای بودن و زادن

برای خوب بودن، خوبتر زادن

بنا کردیم ما یک لانهٔ زیبا

بیا ای دوست تا شادی کنیم امشب

مهندس کاوه منزوی (۱۳۳۰ - ۱۳۵۶خ)

۱

دکتر علی نقی منزوی

که خوبی را سزد شادی

رضوان

اخوان

کاوه

منزوی

این شعر از کاوه منزوی است که آن را به مناسبت فراخوان دوستان و آشنایانش برای پیوند زناشویی خود بر روی کارت عروسی خویش با خانم رضوان اخوان سروده بود، ولی دوازده شب پیش از جشن عروسی کشته شد^۱ ... در تصادف ماشین با یک رانندهٔ بی‌بندوبار کامیون ... به آنی جوانی از دست رفت که عالم بود و پیش‌رو بود و همانند پدرش و پدربزرگش اهل پژوهش و تحقیق و خواندن و دانستن و آموختن و آموزاندن بود.

کاوه منزوی در ۲۲ فروردین ۱۳۳۰ ش در تهران متولد و در خرداد ۱۳۴۸ موفق به گرفتن دیپلم ریاضی گردید و همان سال در دانشکدهٔ فنی تهران پذیرفته شد و چون در تیرماه ۱۳۵۴ موفق به گرفتن فوق لیسانس مهندسی مکانیک از آن دانشکده شد، برای تدریس در دانشکدهٔ فنی بلوچستان به زاهدان اعزام گردید.

کاوه منزوی درس خود را که به صورت جزوه به دانشجویان دانشکدهٔ فنی زاهدان می‌داد که اخیراً به صورت کتابچه‌ایی در اختیار ایشان نهاده بود که پس از بازگشت او از زاهدان نیز مورد استفادهٔ ایشان است.

کاوه منزوی در اردیبهشت ۱۳۵۵ خ برای خدمت مقدس سربازی به ادارهٔ مهندسی ارتش در تهران فراخوانده شد و در حین انجام همین خدمت در سیزده فروردین ۱۳۵۶ خ، کامیونی به ماشین او زد و در دم، کاوه را کشت.

کاوه منزوی «فرزند استاد عزیزمان دکتر علی نقی منزوی است، وی مورد علاقهٔ شدید جدش آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعه می‌بود که شرح احوال آن بزرگ‌مرد در کاوه شمارهٔ ۳۴ به تفصیل آمده است.

Z^۱: سیزدهم فروردین، روز سیزده بدر برای دیدار عمومی نامزدش رضوان به همراه پدر و مادر و دو برادر نامزدش به رانندگی رضوان راهی آریاشهر، اتوبان آتاتورک [بلوار آیت‌الله کاشانی] که در تقاطع بلوار آسیا با بلوار آتاتورک با کامیونی تصادف می‌کنند و در این سانحه پدر رضوان در جا کشته شد. کاوه هم در بیمارستان چشم از جهان فرو بست. او را با همراهی مارش نظامی همکاران ادارهٔ مهندسی ارتش روز سه‌شنبه ۱۶ فروردین ماه در بهشت‌زهر، قطعه ...، ردیف ...، شمارهٔ ... به خاک سپردند.

مهندس کاوه منزوی (۱۳۳۰-۱۳۵۶خ)

۳

صاحب الذریعه کاوه را به نام کاظم می خواند و به رسم روحانیون قدیم یک اجازه روایتی برای او صادر کرده بود. مرگ کاوه منزوی در این سن و سال و با این همه معرفت و کمال، به خصوص برای مادرش مصیبتی جان سوز است، اما چه می توان کرد؟

کی رفته را به زاری باز آری؟^۱

نویسندگان مجله کاوه با اندوهی گران، این مصیبت دردناک را به مادر دل سوخته کاوه و به همکار ارجمند خود استاد دکتر علی نقی منزوی و همه خویشان و بستگان این جوان ناکام تسلیت می گویند و برایشان شکیبائی آرزو دارند.

^۱ گنجور: رودکی، قصاید و قطعات، شماره ۱۱۷، ای آن که غمگنی

ای آن که غمگنی و سزاواری
وندر نهان سرشک همی باری

.....

رفت آن که رفت و آمد آنک آمد
بود آن که بود، خیره چه غمداری؟

هموار کرد خواهی گیتی را؟
گیتی ست، کی پذیرد همواری؟

مستی مکن، که ننگرد او مستی
زاری مکن، که نشنود او زاری

شو، تا قیامت آید، زاری کن
کی رفته را به زاری باز آری؟

آزار بیش بینی زین گردون
گر تو به هر بهانه بیازاری

مهندس کاوه منزوی (۱۳۳۰-۱۳۵۶خ)

۴

دکتر علی نقی
منزوی